



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مجموعه زندگانی چهارده معصوم علیه السلام

امام موسی کاظم علیه السلام



ویژه نوجوانان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام کاظم علیہ السلام

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ امام کاظم علیه السلام
۶ مشخصات کتاب
۶ نام: موسی
۶ امام کاظم علیه السلام
۶ سیره رفتاری امام کاظم علیه السلام در محیط خانواده
۷ سخاوت امام کاظم علیه السلام
۷ بخشندگی امام علیه السلام
۸ برخورد با دشمنان
۸ شهادت
۹ عمه سادات
۱۰ پاداش زیارت حضرت معصومه علیها السلام
۱۰ پی نوشت ها
۱۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام کاظم علیه السلام

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: امام موسی کاظم علیه السلام مجموعه زندگی چهارده معصوم علیه السلام/تالیف واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۸ مشخصات ظاهری: [۲۴]ص فروست: مجموعه زندگانی چهارده معصوم علیه السلام ویزه نوجوانان؛ ۹ وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت) شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۲۶۶۶۵

نام: موسی

لقب: کاظم کنیه: ابوالحسن نام پدر: جعفرعلیه السلام نام مادر: حمیده تاریخ تولد: ۷ صفر سال ۱۲۸ هـ ق محل تولد: ابواء مدت حکومت: ۳۵ سال مدت عمر: ۵۵ تاریخ شهادت: ۶ یا ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هـ ق نام قاتل: هارون با زهر مرقد: کاظمین در کشور عراق

امام کاظم علیه السلام

امام کاظم علیه السلام در روز یکشنبه هفتم صفر سال ۱۲۸ و بنا به قولی ۱۲۹ هـ ق در ابواء - محلی بین مکه و مدینه - به دنیا آمد. پدر بزرگوارش امام جعفرصادق علیه السلام پس از بازگشت به مدینه به خاطر این تولد فرخنده با خوشحالی فراوان فرمود: «خدای متعال به من پسری عطا نمود که بهترین خلق خداست» امام علیه السلام سه روز پیاپی ولیمه (غذا) به مردم داد. (۱) امام موسی بن جعفرعلیه السلام دارای قد و قامتی مناسب و زیبا، صورتی گندمگون، سبزه و نورانی بود. موهایش مشکی، چهره‌اش با صفا و ملکوتی که نور الهی و جلوه معنویت از سیمای بهشتی او خودنمایی می‌نمود. (۲) آن حضرت حدود بیست سال با پدر بزرگوارش امام صادق علیه السلام زندگی نمود، و در محضر آن امام معصوم علیه السلام پرورش یافت و علم و پرهیزکاری را آموخت و خود نمونه و الگو گردید. آثار بزرگی و عظمت از همان کودکی در چهره‌اش معلوم بود. یعقوب سراج می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رفتم، دیدم که در کنار گهواره ی پسرش موسی علیه السلام ایستاد و با او صحبت نمود، پس از آن که سخنانش تمام شد به نزد ایشان رفتم، به من فرمود: نزد مولایت در گهواره برو و به او سلام کن. من کنار گهواره رفتم و سلام کردم، موسی بن جعفرعلیه السلام با صدایی شیوا و رسا، جواب سلام من را داد. موسی بن جعفرعلیه السلام با علم و استعداد عظیم الهی توانست در محضر پدر به درجات بالای علمی، معنوی و سیاسی دست پیدا کند، در علم و دانش به مقامی دست یافت که کسی همتای وی نبود. و بعد از پدر بزرگوارش با کمک خداوند یگانه، امام و پناه شیعیان و پیروان اهل بیت علیه السلام شدند. موسی بن جعفرعلیه السلام در برخورد با حاکمان و خلفای ستمگر، همانند پدر بزرگوارش به شکل‌های مختلف با آنها برخورد نمود.

سیره رفتاری امام کاظم علیه السلام در محیط خانواده

زندگی امام موسی بن جعفرعلیه السلام، به خصوص در منزل مثل روش جدّ گرامیش حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و پدران بزرگوارش بود. او با فرزندان و اهل منزل خود با مهربانی و با محبت رفتار می‌نمود. در این بخش به روایاتی از کلام امام کاظم علیه السلام اشاره می‌کنیم که آن حضرت روش زندگی را به شیعیان آموخته و همه را به پیروی و رعایت آنها تشویق می‌کند. ۱- برخورد مساوی و عادلانه با فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل

می‌کند: روزی مردی به همراه دو فرزندش خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله که بر خوردهای پدر با فرزندانش را زیر نظر داشت، متوجه شد که آن مرد، یکی از دو فرزندش را می‌بوسید و به دیگری اعتنایی نمی‌کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از چنین فرق گذاشتن و رفتار ناپسند آن مرد ناراحت شد و فرمود: چرا در محبت نمودن نسبت به فرزندان خود به طور مساوی برخورد نمی‌کنی؟ (۳) ۲- امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: مردی در حالی که فرزندش همراهش بود از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرسید، حقّ این فرزند چیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نام نیکو برای او انتخاب کنی و به زیور آراسته‌اش نمایی، و به کار خوب و مناسبی بگماری. ۳- شخصی خدمت امام کاظم علیه السلام رسید و از فرزندش که حرف او را گوش نمی‌داد، گله و شکایت نمود، و از امام صلی الله علیه و آله در بهتر تربیت کردن فرزندش کمک و راهنمایی خواست. امام علیه السلام فرمود: فرزندت را کتک مزن، ولی برای تنبیه با او قهر کن، اما مراقب باش قهر تو طولانی نشود.

سخاوت امام کاظم علیه السلام

۱- روزی فقیری نزد آن حضرت آمد و پس از این که خود را تهی دست معرفی نمود، گفت: اگر صد درهم داشتم با آن کسب و کاری فراهم می‌کردم و از این تندگستی نجات پیدا می‌کردم. امام علیه السلام با چهره‌ای گشاده و خندان به او فرمود: من از تو یک سؤال می‌کنم، اگر پاسخ دادی ده برابر آن را به تو خواهم داد. فقیر گفت: بپرس امام علیه السلام فرمود: اگر بخواهی در دنیا آرزویی کنی، چه آرزو می‌کنی؟ فقیر گفت: آرزو می‌کنم خداوند من را کمک کند که بتوانم به برادران دینی خودم کمک کنم و برای حفظ جان آنها از خطر دشمن سعی و تلاش نمایم. امام علیه السلام فرمود: چرا دوستی ما خاندان را آرزو نمی‌کنی؟ فقیر گفت: این دوستی در وجودم هست و خدا را به خاطر داشتن این دوستی و محبت سپاس می‌گویم ولی آنچه را که ندارم آرزو می‌کنم. امام علیه السلام فرمود: پاسخ نیک و خوبی دادی، آفرین! آن گاه دو هزار درهم به او داد و به او فرمود: این پول را در تجارت و خرید و فروش مازو (دانه‌هایی که برای رنگ کردن به کار می‌برند) استفاده کن، چون این کالا خشک است و کمتر آسیب می‌بیند. فقیر همین کار را انجام داد و زندگی او خیلی خوب شد. ۲- عیسی بن محمد بن مغیث که یکی از کشاورزان با سابقه و با تجربه‌ی مدینه بود و نود سال از عمرش می‌گذشت، می‌گوید: یک سال من در اطراف مدینه صیفی کاری (سبزی کاری) خوبی داشتم، اما هنگام رسیدن و برداشت محصول، دسته‌های زیادی از ملخ‌ها به محصولم حمله کردند و همه آن را نابود کردند، من ۱۲۰ دینار به اضافه قیمت دو شتر خسارت دیدم و از این حادثه خیلی ناراحت و غمگین بودم. واقعه را برای مولایم گفتم. امام علیه السلام فرمود: چقدر خسارت دیده‌ای؟ من مقدار آن را گفتم. امام علیه السلام در همان لحظه به یکی از خدمتکارانش به نام عرفه فرمود: ۱۵۰ دینار به اضافه دو شتر به عیسی بن مغیث تحویل بده و او نیز چنین کرد. عرض کردم، از شما تقاضا دارم وارد زمین شوید و برایم دعا کنی. امام علیه السلام وارد زمین شد و دعا کرد. ابن مغیث می‌گوید: من با آن دو شتر، در آن زمین بلا دیده کار کردم و به موقع به آبیاری آن پرداختم، و خداوند برکت داد و محصول سرشاری به دستم آمد که آن را به هزار دینار فروختم. (۴)

بخشندگی امام علیه السلام

یکی از خصوصیات مهم و آشکار امام هفتم علیه السلام، بذل و بخشش و سخاوت آن حضرت است. همه این موضوع را قبول دارند که امام کاظم علیه السلام، در سخاوت و بخشندگی، بهترین عصر خود بود، ایشان درآمدی را که حاصل دسترنج و زحمت خودش از کار کشاورزی بود در اختیار نیازمندان و بیچارگان واقعی قرار می‌داد. سخاوت او آنقدر زیاد بود که به صورت ضرب المثلی درآمدی بود و مردم به یکدیگر می‌گفتند: تعجب باید کرد از کسی که کیسه بذل و بخشش و کمک‌های موسی بن جعفر علیه السلام به او رسیده باشد! باز بگویند که من فقیر و تنگدست هستم. (۵) شیعیان به امام موسی کاظم علیه السلام باب الحوائج

می گویند: یعنی چون ایشان در نزد خداوند جایگاه و مقام بزرگی دارد، از آن حضرت می خواهند که با لطف و توجه و اراده‌ی خدای مهربان، خواسته‌هایشان را برآورده نماید.

برخورد با دشمنان

دشمنی برخی از افراد با ائمه معصومین علیه السلام در آن زمان می تواند به خاطر دو علت بوده است: ۱- یا از روی آگاه نبودن و نادانی آنها بوده است که در این بین، نقش دشمنان واقعی ائمه اطهار علیهما السلام در معرفی بی تاثیر نبوده است در نتیجه این افراد با کوچکترین هدایت و راهنمایی و دیدن چهره واقعی و نورانی ائمه اطهار علیهما السلام از دشمنی خود دست برداشته و در شمار دوستداران آن بزرگواران قرار می گرفتند. ۲- و یا از روی دشمنی و لجابت بود و به بیان قرآن از روی حسادت و دیگر این که طرف داری‌های قومی و قبیله‌ای هم در این موضوع نقش داشته است، آنها با علم و آگاهی از شخصیت بی نظیر و الهی امامان علیه السلام چون آنها را مانع رسیدن به ثروت و قدرت می دیدند در نیجه به دشمنی با آنان پرداخته و با تبلیغات، مردم را به مخالفت با آنها شورانیده و تخم کینه را در دل آنان می کاشتند. تا آنجا که بعضی از حاکمان اموی همچون معاویه، کینه و دشمنی اهل بیت، خصوصاً امام علی علیهما السلام را از دوران کودکی در بین مردم قرار داده بودند و سب (ناسزا گفتن) حضرت علی علیه السلام را به عنوان ذکر واجب بعد هر نماز قرار داده بودند. برخورد امامان معصوم علیه السلام با این دو گروه متفاوت بوده است؛ با گروه اول با بردباری و خوشرویی و بعضی از اوقات با اهدای کمک‌های مالی با آنها برخورد می نمودند، و با گروه دوم با شدت و تندی مقابله می کردند که به چند نمونه اشاره می کنیم: ۱- شیخ صدوق نقل می کند: هارون الرشید از جادوگر و ساحری خواست تا در مجلسی که امام موسی بن جعفر علیه السلام حضور دارد، سحر و جادو کند و امام را درمانده سازد. او در آن مجلس، چند نان را جادو کرد. تا هر نانی را که امام علیه السلام برمی دارد از مقابلش دور شود. هارون از این اقدام به وجد آمد. حضرت بدون وقفه سر بلند کرد و به نقش شیری که در پرده بود، فرمان داد که: ای شیر خدا! دشمن خدا را بگیر. در همان حال نقش شیر به شیری زنده تبدیل شد و ساحر را بلعید و خورد. هارون و یارانش از ترس بر زمین افتادند. چون هارون به هوش آمد، از امام علیه السلام خواست تا ساحر را به حال قبل باز گرداند. امام علیه السلام پاسخ داد: اگر عصای موسی ریسمان‌ها و عصاهای بلعیده ساحران را باز گرداند، او هم این مرد را برمی گرداند (۶) ۲- هارون به امام کاظم علیه السلام عرض کرد: فدک را تحویل بگیر، تا من آن را به شما باز گردانم. امام علیه السلام قبول نکرد، تا این که هارون بسیار اصرار نمود. پس امام علیه السلام فرمود: من آن را جز با حدود آن نخواهم گرفت. هارون گفت: حدود شما کجاست؟ امام علیه السلام فرمود: اگر حدود آن را بگویم نخواهی داد: هارون گفت: به حق جدت سوگند آن را می دهم. امام علیه السلام فرمود: اما حدّ اول آن عدل است. در اینجا رنگ هارون تغییر کرد و گفت: چی؟ امام علیه السلام فرمود: حدّ دوم آن سمرقند است. هارون از جا برخاست. امام علیه السلام فرمود: حدّ سوم آن آفریقا است. چهره هارون رو به سیاهی می گرایید. امام علیه السلام فرمود: و حد چهارم آن کناره دریا از طرف جزایر تا کشور روم. هارون گفت: با این وضع، برای من چیزی باقی نمی ماند، پس برخیز و بر جای من تکیه بزن. امام علیه السلام فرمود: من به تو خبر دادم که اگر حدود آن را باز گویم تو آن را نخواهی داد. (۷) امام با گفتن این جملات می خواست به وی بفهماند که شما شایسته ولایت و سرپرستی مردم و اجرای احکام الهی نیستید و به زور و نیرنگ آن را بدست آورده‌اید.

شهادت

از آن جایی که روز به روز طرفداران و دوست داران امام علیه السلام افزوده می شد، به دستور هارون، امام موسی کاظم علیه السلام را زندانی کردند و از یک زندان به زندان دیگری می بردند و آن حضرت را در شرایط سخت تری قرار می دادند. اگر چه امام علیه

السلام سال‌های زیادی از عمر پربرکتش را در زندان سپری نمود ولی ایشان حتی از داخل زندان هم پیام هایش را برای شیعیان و مومنان می‌فرستاد، ایشان در طول این سالها شاگردان زیادی را تربیت نمودند، شاگردانی که امروز هر کدام از آنها جزء دانشمندان و شخصیت‌های بزرگ جهان اسلام به شمار می‌آیند، بزرگانی چون: ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، علی بن یقظین، صفوان بن مهران و... هارون که دید حتی با زندانی کردن حضرت هم به مقصودش نرسیده است، روزی به یکی از زندان‌بان‌های فریب خورده خودش دستور داد تا امام موسی کاظم علیه السلام را مسموم کند، سرانجام امام علیه السلام مسموم شد و در بیست و پنجم ماه رجب سال صد و هشتاد و سه هجری قمری در زندانی در بغداد به شهادت رسید و شیعیان بدن مطهرش را در کاظمین به خاک سپردند.

عمه سادات

یکی از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می‌باشد، آن حضرت در اول ذی القعدة سال ۱۷۳ هجری قمری در شهر مدینه و در خانه با صفای امام کاظم علیه السلام به دنیا آمد. نجمه مادر حضرت از این تولد بسیار خوشحال بود که خداوند چنین دختری به ایشان و خواهری با محبت به امام رضاعیه السلام عطا نموده است. حضرت فاطمه معصومه علیها السلام زیر سایه‌ی پر مهر پدر و مادر و در کنار برادر دلسوز و مهربانش امام رضاعیه السلام روز به روز بزرگ‌تر شد و چیزهای تازه‌ای آموخت. دوران زندگانی امام هفتم علیه السلام با ایام زمامداری پنج خلیفه ستمگر خاندان عباسی هم زمان بود و هر کدام از آنها به شکل‌های گوناگون حضرت را مورد آزار و شکنجه قرار می‌دادند که سرانجام به دستور هارون زندانی و سپس به شهادت رسید. پس از شهادت امام موسی کاظم علیه السلام حضرت رضاعیه السلام به امامت رسید، ایشان همانند پدر بزرگوارش به انجام وظایف الهی و گسترش حق و حقیقت و رهبری امت اسلامی پرداخت و این موجب ناراحتی مامون یکی دیگر از خلیفه‌های ظالم عباسی شد، وی بعد از مرگ پدرش هارون به خلافت رسیده بود. مامون چون از قدرت و علاقه زیاد مردم به امام رضاعیه السلام می‌ترسید، تصمیم گرفت مردم را فریب داده و خود را در ظاهر دوست دار امام معرفی کند، در نتیجه امام رضاعیه السلام را جانشین خود معرفی نمود، امام که از نقشه‌ی وی آگاه بود پیشنهاد وی را نپذیرفت، ولی به ناچار، ایشان از مدینه به سمت مرو حرکت نمود. با رفتن امام رضاعیه السلام لحظه‌های شیرین زندگی حضرت معصومه علیها السلام هم پایان پذیرفت، چون بهترین پناهگاه خود را از دست داده بود. هجرت حضرت معصومه علیها السلام از مدینه یک سال از سفر امام رضاعیه السلام به مرو گذشت، خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در این مدت از دیدار امام محروم بودند و چیزی جز زیارت دوباره‌ی حضرت دل‌های غم‌دیده‌ی آنها را نمی‌توانست آرام کند. فاطمه‌ی معصومه علیها السلام نیز از دوری برادر بی‌تابی می‌نمود تا اینکه نامه‌ای از جانب امام رضاعیه السلام برای ایشان فرستاده شد. حضرت فاطمه معصومه علیها السلام پس از دریافت نامه‌ی برادر با شوقی فراوان بار سفر بستند و با گروهی از نزدیکانشان به طرف مرو حرکت نمودند. کاروان عاشقان امام رضاعیه السلام به پیش می‌رفت و جز برای نماز و غذا و استراحت، لحظه‌ای از حرکت باز نمی‌ایستاد تا اینکه با دشواری و سختی بسیار زیاد، کاروان به سرزمین ایران رسید و در شهر ساوه بود که حضرت معصومه علیها السلام دچار بیماری سختی شد و دیگر توانایی ادامه سفر را نداشت. این پرسش که آیا دختر امام موسی کاظم علیه السلام می‌تواند برادرش را در مرو زیارت کند، او را سخت نگران نموده بود. به هر حال وقتی آن بانوی بزرگوار حال و روز خود را چنین دید، تصمیم گرفت به شهر قم که در آن روزگار هم پناهگاه خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بود، برود. مردم قم با خوشحالی زیاد به استقبال ایشان رفتند و خدمتگزاری شایسته‌ای انجام دادند و به سرعت وسایل مورد نیاز کاروان را فراهم نمودند. اما در نهایت به خاطر شدت بیماری در خانه موسی بن خزرج که در هر حاضر به «بیت النور» شهرت دارد و محل عبادت حضرت بوده است چشم از جهان فرو بست و در حالی که اشک در دیده و غم دوری برادر را به دل داشت، از دنیا رفت. مردم قم در این مصیبت همگی عزادار شدند و به سوگ و ماتم نشستند و با احترام بسیار پیکر مطهر حضرت معصومه علیها

السلام را در مکان فعلی به خاک سپردند.

پاداش زیارت حضرت معصومه علیها السلام

اهل بیت علیهم السلام درباره‌ی زیارت این بانوی بزرگوار به شیعیان سفارش نموده و برای آن پاداش و ثواب بسیاری بیان فرموده‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید (۸): به زودی بانویی به نام فاطمه از خاندان من در قم دفن می‌شود، هر کسی او را زیارت کند بهشت بر او واجب خواهد شد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: هر کسی او را زیارت کند بهشت از آن اوست. امام جواد علیه السلام می‌فرماید: هر کسی عمه مرا در قم زیارت کند بهشت از آن اوست.

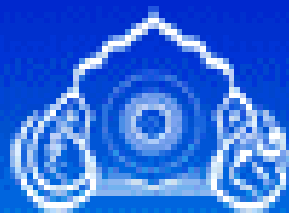
پی نوشت ها

(۱) بحار ج ۴۸ ص ۲۴. کتاب «فصول المهم» (۲) ۲. کتاب «فصول المهم» (۳) بحار ج ۱۰۴ ص ۴۹۷ (کشف النمه ج ۳ ص ۵) الطالب ص ۱۸۵ (۶) عیون اخبار الرضا (۷) مناقب (۸) ۱ و ۲ و ۳ بحار الانوار ج ۱۰۲ صفحه ۲۶۷

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات

نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) (خط ۲۳۵۰۵۲۴) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه و فائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۰۰۰-۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتمّاً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

